

تفاوت زن و مرد در دیه

سهیلا بایبوردی^۱

چکیده

قتل پدیده‌ای است که بشر همواره با آن مواجه بوده است و انسان برای باز داشتن افراد از تعدی به حق حیات دیگری تاکنون تدابیر مختلف و متعددی را در پیش گرفته و آنها را تجربه کرده است. شریعت مقدس اسلام نیز راهکارهای ویژه‌ای را برای مقابله با این پدیده ناخوشایند و باز داشتن انسانها از ورود بدان تشریح نموده است، به طوری که اگر قتل به صورت عمدی تحقق یابد شریعت اسلام حکم قصاص را برای جانی در نظر گرفته است و اگر به صورت غیر عمدی واقع شود برای آن دیه را تشریح نموده و جانی را ملزم به پرداخت آن می‌کند. و این تشریح نیز به تصریح قرآن کریم در آیه ۹۲ از سوره نساء می‌باشد. در این مقاله ابتدا دیدگاه فقهای پیشین در مورد دیه بیان شده است بعد از آن به دیدگاه فقهای معاصر پرداخته شده است. و سپس مبنای فقهی مساوی بودن دیه زن و مرد در تحت عنوان اطلاق ادله، روایات مورد بحث قرار داده شده است. و بعد از آن مبنای فقهی نصف بودن دیه زن در عنوان آیات قرآن و روایات بیان شده است. سپس موضوع حکمت متفاوت بودن دیه مرد و زن تحت دو عنوان پایین بودن ارزش زن نسبت به مرد و پایین تر بودن نقش زن در وضعیت اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها

دیه، تفاوت دیه زن و مرد، مساوی بودن دیه زن و مرد، نصف بودن دیه زن و مرد

۱. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی و عضو هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

مقدمه

امروزه یکی از مسایل مهم و مورد توجه جامعه بین المللی، مساله حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنسیت است. این احساس، مخصوصاً در بین بسیاری از زنها وجود دارد که در طول تاریخ، به زنان که بخش مهمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند ستم روا رفته، حقوق و شان انسانی آنها رعایت نشده و طبق عادات و رسوم و اعتقادات و قوانین و مقررات در مورد آنان تبعیض ناروا اعمال شده است و حتی در دوران کنونی نیز با همه پیشرفتهایی که نصیب زنان شده و تحولاتی که ایجاد شده باز هم در بسیاری از موارد، مورد ظلم و ستم و تجاوز و تبعیض قرار می‌گیرند. تلاش طرفداران تثبیت تساوی حقوق زن و مرد این است که این فرهنگ در ابعاد کامل و وسیع در جامعه بشری جا بیفتد که زن همانند مرد از ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و درک و شعور یکسان برخوردار است و ظرافت طبع و لطافت جسم و وظیفه بارداری و پرورش طفل که طبیعت به عهده او گذاشته از ارزش انسانی و شعور اجتماعی او نمی‌کاهد.

از دیدگاه اسلامی قدر مسلم در متون اصلی و معتبر اسلام مثل قرآن کریم و برخی روایات معتبر وارده از پیامبر اکرم (ص) عمدتاً به زن به عنوان یک انسان کامل که با مرد از یک منشاء آفریده شده و مکمل یکدیگر هستند یاد شده و از لحاظ کرامت انسانی و رسیدن به مقامات عالی معنوی و کسب فضایل بالای انسانی و تحمل تکلیف و مسئولیت و توانایی اعمال مدیریت و تدبیر همانند مرد از او سخن به میان آمده است که برای نمونه می‌توان به آیات ۱ و ۲ سوره نساء، ۳۵ سوره احزاب، ۱۹ تا ۲۳ اعراف، ۲۰ تا ۴۴ سوره نمل، ۱ سوره نور، ۳۸ سوره مائده و نظایر آن اشاره کرد.

البته در برخی از آیات قرآنی نیز تعبیراتی وجود دارد که ظهور در برتری مرد نسبت به زن در برخی از حقوق و وظایف دارد از جمله می‌توان به آیه ۲۲۸ سوره بقره اشاره کرد.

اساس وضع قوانین برای حفظ حقوق فردی اجتماعی افراد جامعه است. انسان در زندگی دنیوی از حقوقی بهره‌مند است که یکی از حقوق مشترک بین همه انسان‌ها حق حیات است. به طوری که هیچ کس اجازه تعدی به این حق عمومی را همانند سایر حقوق ندارد. بنابراین اگر فردی عمداً یا از روی خطا یا سهو دیگری را از چنین حقی محروم کند باید تاوان آن را پردازد. در جوامع مختلف بشری به اقتضای شرایط و ضوابط حاکم بر آن مجازات‌های متفاوتی را برای تجاوزگر به این حقوق در نظر می‌گیرند و البته این امر اختصاص به جوامع امروزی هم ندارد. بلکه به نظر می‌رسد بشر در طول تاریخ با چنین پدیده‌ای مواجه بوده و همواره با آن به مقابله برخاسته است چرا که این، حکم عقل است. یکی از شیوه‌هایی که امروزه در برخی از نظام‌های فوقی برای مجازات چنین افرادی که حق حیات دیگری را سلب کنند در نظر می‌گیرند پرداخت خسارت‌های مالی است که از آن در فقه اسلامی به «دیه» تعبیر می‌شود. صرف نظر از این که اگر سلب حیات دیگری به صورت عمد تحقق یابد به اجماع فقهاء اصالتاً قصاص در آن ثابت است اما در مواردی که قتل به صورت غیر عمدی باشد برای آن دیه و یا به تعبیر بعضی‌ها خون بها در نظر می‌گیرند.

یکی از سئوالات اساسی و یا بهتر بگوئیم اشکالات مهمی که بر قوانین اسلامی به ویژه قانون مجازات اسلامی گرفته می‌شود، تفاوت زن و مرد در دیه است. مبنی بر این که چرا باید دیه زن نصف دیه مرد باشد؟ آیا این تفاوت بین زن و مرد عادلانه است؟ آیا مفهوم تفاوتی که بین زن و مرد در دیه مطرح می‌کنند حاکی از آن نیست که دین اسلام برای مرد ارزش و اهمیت بیشتری قائل شده است؟ مگر جان انسان چه زن و چه مرد برابر هم نیست؟ اگر برابری جان و خون زن را بامرد پذیرفتیم پس این تفاوت چه حکمتی می‌تواند داشته باشد؟ و سئوالات دیگری از این دست که در محافل مختلف مطرح بوده و هست، وبر اندیشمندان اسلامی است که پاسخ مستدل و منطقی را برای این سئوالات بیابند و ارائه

نمایند. به ویژه آن که تفاوت زن و مرد در احکامی مثل شهادت، ارث، دیه و... از موارد اختصاصی فقه و حقوق اسلام می‌باشد. و البته در این راستا تلاشهای قابل قبولی صورت گرفته و پاسخ‌هایی نیز از سوی فقها و حقوق‌دانان بر اساس مبانی مورد نظرشان بیان گردیده است که در این مقاله ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل آراء و نظرات مطرح شده مبانی فقهی هر دیدگاه مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

در ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: «دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است»

۱- دیدگاه فقهای پیشین

شیخ مفید در این باره می‌نویسد: هر گاه مردی عمداً زنی را بکشد و اولیای دم زن مقتول، دیه را برگزینند قاتل اگر بدان راضی باشد باید به اولیای دم زن پنجاه شتر اگر صاحب شتر است یا پانصد گوسفند یا صد گاو یا حله یا پانصد دینار یا پنج هزار درهم بپردازد. به خاطر این که دیه زن نصف دیه مرد است. و اگر اولیای دم قصاص را برگزینند، باید به ورثه کسی که مورد قصاص واقع می‌شود نصف دیه را بپردازند در غیر این صورت حق قصاص ندارند. یکی از سؤالاتی که در این جا پیش می‌آید شاید در آینده به نظر فقهی در این باره برخورد کنیم آن است که اگر قاتل به پرداخت دیه (حتی نصف دیه) راضی نشد علیرغم آن که اولیای دم زن، متقاضی دریافت دیه بودند، آیا در این جا هم برای قصاص اولیای دم باید نصف دیه چنین قاتلی را بپردازند؟! (شیخ مفید، المقننه، ص ۷۳۹).

شیخ طوسی می‌گوید: دیه زن نصف دیه مرد است و همه فقها بدان عقیده دارند. و ابن علی و اصم می‌گویند: آن دو در دیه مساویند. دلیل ما اجماع فرقه (شیعه) و همچنین روایتی است که عمرو بن حزم از پیامبر اکرم - که سلام خدا بر او باد نقل کردند که فرمودند: دیه زن نصف دیه مرد است. همچنین معاذ مانند این روایت را از رسول اکرم (ص) نقل کرده

است. اجماع امت نیز بر این دلالت دارد. این مطلب از حضرت علی (ع) و از عمر و ابن عباس و زید بن ثابت روایت شده است. هیچ کس با آنها مخالفت نکرده است. (شیخ طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۲۵۴)

سلار بن عبد العزیز از فقهای است که قصاص و دیه را بین زن و مرد متفاوت می‌داند، چرا که در این باره می‌نویسد: اگر مردی زنی را بکشد و اولیای زن کشتن (قصاص) آن مرد قاتل را برگزینند باید نصف دیه مرد قاتل را (به اولیایش) بپردازند و اگر دریافت دیه را از آن مرد برگزینند، می‌توانند نصف دیه مرد را از قاتل بگیرند و هرگاه زنی مردی را عمداً بکشد و اولیای مقتول کشتن آن زن را برگزینند، برای آنها جز کشتن وی چیز دیگر نخواهد بود. و اگر دریافت دیه را بخواهند و خویشاوندان قاتل دیه را بپردازند، پس برای آنها دیه کامل (یک مرد) خواهد بود. اما اگر قاتل و مقتول از نظر جنسیت مساوی باشند (هر دو زن باشند)، بنابراین دیه آنها نیز مساوی خواهد بود. (سلار بن عبدالعزیز، المراسم العلویه فی الاحکام النبویه).

شهید ثانی نیز در کتاب مسالک (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۵، ص ۳۲۲) و شرح لمعه (شهید ثانی، الروضه البهیة، ج ۱۰، ص ۱۸۹) بیانات مشابهی دارد که قائل به نصف بودن دیه زن در مقابل دیه مرد است.

صاحب جواهر می‌گوید: اشکال و اختلافی نه در نص و نه در فتوی بر نصف بودن دیه زن نسبت به مرد وجود ندارد، اجماع بر این امر قائم است و اخبار مستفیض و یا متواتر نیز در این باب وجود دارد بلکه مسلمین بر این امر متفق‌اند، فقط از دو نفر از فقهای عامه به نام های ابن علی و ابی بکر اصم نقل شده است که گفته اند دیه زن مثل دیه مرد است. (وهبه زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۶، ص ۳۱۰).

۲- دیدگاه فقهای معاصر

در کتاب فقه الصادق (ع) (الحسینی الروحانی، السید محمد صادق، فقه الصادق، ج ۲۶، ص ۱۹۳) به پیروی از فقهای شیعه و نظر مشهور دیه قتل زن آزاد مسلمان نصف دیه مرد بیان شده است. آیت الله خوئی (السید الخوئی، مبانی تکلمه المنهاج، ج ۲، ص ۲۰۵) و امام خمینی (السید الخمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸) نیز در کتاب‌های فقهی خود بر نصف بودن دیه زن نسبت به مرد تاکید دارند.

در کتاب مباحثی از حقوق زن (مهر پور، حسین مباحثی از حقوق زن، ص ۲۶۰) درباره نظر مقدس اردبیلی به نقل از مجمع الفائده آمده است: مرحوم مقدس اردبیلی نیز در کتاب مجمع الفائده و البرهان مسأله نصف بودن دیه زن را به گونه‌ای طرح کرده است که گویی چندان اعتقادی به استحکام دلایل آن ندارد. وی در شرح عبارت علامه در کتاب ارشاد که دیه زن نصف دیه مرد است می‌گوید: «گویا دلیل آن اجماع و اخبار است که قبلاً از آن‌ها یاد شده.» (مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان، ج ۱۴، ص ۳۲۲).

البته با این بیان مرحوم مقدس اردبیلی نمی‌توان وی را جزو قائلین به مساوی بودن دیه زن و مرد دانست، چرا که از هیچ عبارتی از عبارات ایشان این گونه استنباط نمی‌شود. از بین فقهای معاصر آیت الله صانعی یکی از معدود فقهایی است که به مساوی بودن دیه مرد و زن معتقد است. ایشان در پاسخ به این سؤال که آیا دیه زن در تمام اقسام نصف مرد است، می‌نویسد: «به نظر اینجانب دیه زن و مرد مساوی است، قضاء لا طلاق ادله الدیه و عدم دلیل بر تقیید...» و جریان قصاص مقابله به مثل در قتل زن توسط مرد بدون نیاز به رد تفاوت همانند عکسش و بدون تبعیض و ظلم... (صانعی، یوسف، منتخب الاحکام، ص ۳۳۰) با توجه به نقطه نظراتی که از فقها ذکر شد، اغلب قریب به اتفاق فقهاء بر نصف بودن دیه زن حکم می‌کنند و برخی نیز قائل به مساوی بودن دیه زن و مرد در قتل هستند. لذا مناسب است که به مبانی فقهی هر گروه اشاره شود.

۳- مبنای فقهی مساوی بودن دیسه زن و مرد

۳-۱- اطلاق ادله

الف) همانطور که می‌دانیم در قرآن کریم حکم دیه طی آیه ۹۲ از سوره نساء آمده است. «و ما كان لمومن ان يقتل مومناً الا خطأ ومن قتل خطأ فتحرير رقبه مومنه و ديه مسلمه الي اهله الا ان يصدقوا فان كان من قوم عدولکم وهو مومن فتحرير رقبه مومنه و ان كان من قوم بينکم وبينهم ميثاق فديه مسلمه الي اهله و تحرير رقبه مومنه فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبه من الله و كان الله عليماً حكيماً».

هیچ مومنی را سزاوار نیست که فرد مومنی را به قتل برساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود و کسی که مومنی را به خطا بکشد باید به کفاره این خطا بنده مومنی را آزاد کند و خون بهای آن را هم به صاحب مقتول تسلیم نماید، مگر آن که ورثه مقتول دیه را به قاتل ببخشند. اگر این مقتول با آن که مومن است از قومی که با شما دشمن و محاربت در این صورت قاتل باید بنده مومنی را آزاد کند. و اگر مقتول از آن قومی است که میان شما و آن قوم عهد و پیمان برقرار بوده پس خون بها را به صاحب خون پرداخته و نیز برای کفاره بنده مومنی را آزاد نماید، و اگر بنده‌ای نیافت دو ماه متوالی روزه بگیرد و این توبه‌ای است که از طرف خدا پذیرفته می‌شود، و خدا به همه امور عالم دانا و حکیم است.

آنهایی که قائل به تساوی دیه زن و مرد هستند می‌گویند این آیه اطلاق دارد و دیه مرد و زن را یکسان بیان کرده است و دیه در اینجا لفظی است که به طور مطلق آمده است و ظاهراً بر مساوی بودن دیه زن و مرد دلالت دارد. و با توجه به این که آیت الله صانعی در استدلال مساوی بودن دیه زن و مرد عنوان «قضاء» لا طلاق ادله الدیه» را آورده‌اند شاید اشاره به اطلاق دیه در این آیه شریفه نیز داشته باشد.

صاحب کتاب تفسیر المنار می‌نویسد: «در قرآن دیه به طور مطلق و به صورت نکره آمده و ظاهرش آن است که هر مقدار خانواده مقتول را راضی کند کافی است ولی سنت (روایات)

میزان دیه را تعیین کرده و بدان گونه که معروف و مقبول نزد عرب بوده، مقدار آن را مشخص کرده است. و به هر حال اجماع مسلمین است که دیه مرد مسلمان آزاد یکصد شتر است و دیه زن نیز نصف دیه مرد است. ولی ظاهر آیه این است که فرقی بین زن و مرد نیست» (محمدرشید، رضا ...، به نقل از مهرپورحسین، مباحثی از حقوق زن، ص ۲۶۳).

البته باید گفت که اطلاق مورد ادعا با فرض صحیح بودن آن به وسیله سنت و روایاتی که دلالت بر نصف بودن دیه زن نسبت به مرد دارد مقید شده است. چرا که اطلاقات و عموماً قرآن ممکن است به وسیله روایات تقیید و یا تخصیص بخورند.

۲-۳- روایات

در روایات مختلفی که از طریق شیعه و سنی نقل شده آمده است که حضرت رسول (ص) دیه قتل انسان را صد شتر قرار داده که در عرف مردم عربستان قبل از اسلام وجود داشته و پیامبر (ص) آنرا پسندیده است. به بعضی از این روایات اشاره می شود. در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: در بین وصایای پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) آمده است که فرمود: یا علی عبدالمطلب در جاهلیت پنج سنت را رایج کرده بود که خداوند آنها را در اسلام تثبیت کرد یکی از آنها این بود که دیه قتل انسان را صد شتر قرار داد و همین نیز در اسلام پذیرفته شد. (الحرالعالمی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۴۵)

از طریق اهل سنت نیز نقل شده که پیامبر (ص) دیه قتل را صد شتر قرار داده است. در بسیاری از کتب اهل سنت منبع اصلی صدور این کلام از پیامبر اکرم (ص) نامه پیامبر به عمرو بن حزم است هنگامی که او را به یمن فرستاد و از او خواست احکام و مقررات را به مردم ابلاغ نماید. در نامه مأموریت عمرو بن حزم احکام چندی ذکر شده و از جمله طبق برخی نقل ها آمده است که: دیه نفس صد شتر است. (مغنی، ابن قدامه، ج ۷، ص ۷۹۷ و الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۳۷۱).

۴- مبنای فقهی نصف بودن دیه زن

مبنای فقهی نصف بودن دیه زن نسبت به مرد به نقل از برخی علماء قرآن کریم و البته عمدتاً روایاتی است که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است.

۴-۱- آیات قرآن

دکتر محمد صادقی تهرانی یکی از علمای معاصر است که به متفاوت بودن دیه زن و مرد قائل است، و مستندات این حکم را بخشی از آیه ۱۷۸ سوره بقره می‌داند که خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الانثی بالانثی...» ای کسانی که ایمان آوردید، درباره کشتگانان بر شما حق قصاص مقرر شده؛ آزاد به آزاد و بنده به بنده و مؤنث به مؤنث... ایشان در ضمن ترجمه قرآن کریم نکاتی را در پاورقی آوردند که از جمله آنها نکته ای به شرح زیر است: «این (مؤنث به مؤنث) نابرابری او را با مذکر اثبات می‌کند و دلیل قطعی است که خون بهای مؤنث کمتر از مذکر است چنان که (الحر بالحر) هم مرد را برابر مرد دانسته است.» (صادقی تهرانی، محمد، ترجمه قرآن، ص ۲۷)

در پی این اظهار نظر ایشان مبنی بر آن که از عبارت «الانثی بالانثی» متفاوت بودن دیه زن و مرد فهمیده می‌شود سؤالاتی را مطرح کردیم از جمله آن که در سوره مائده آیه ۴۵ آمده است: «و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین و الانف بالانف و الاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو کفار له و من لم یحکم انزل الله فاولئک هم الظالمون.»

و در آن «تورات» بر آنان نوشتیم که همانا جان در برابر جان و چشم در برابر چشم و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و زخم‌ها نیز (به همان ترتیب) قصاص دارند. پس هرکس از آن (قصاص) در گذرد کفاره‌ای برای اوست و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم و داوری نکرده‌اند آنان ستمگرانند.

آیا از عبارت « النفس بالنفس » برابری زن و مرد در قصاص فهمیده نمی‌شود تا آن را در مورد دیه نیز ثابت دانست؟ چون همانطور که ملاحظه می‌شود نفس در مقابل نفس به طور مطلق آمده است و فرقی بین جان زن و مرد قائل نشده است؛ پس چطور می‌توان بین برداشتی که از این دو آیه می‌شود و علی‌الظاهر با برداشتی که از «الانثی بالانثی» شده است تعارض دارد، جمع نمود؟

ایشان پاسخی دادند که بعدها آن را در ترجمه‌ای که از قرآن کریم ارائه کرده‌اند یافتیم. پاسخ وی بدین قرار است: «این برابری ضابطه‌ای است برای کشتن بیش از یک نفر در برابر یک مقتول و یا اگر هم عمومیتی داشته باشد با آیه ۱۷۸ سوره بقره که فرموده است، «الانثی بالانثی» نسخ شده که نابرابری میان مردان و زنان را ثابت کرده است. گرچه سوره مائده آخرین سوره است ولی آیه «النفس بالنفس» آخرین حکم قرآنی نیست که خود نقلی از تورات است؛ ولی آیه ۱۷۸ سوره بقره حکمی قرآنی است.» (صادقی تهرانی، محمد، ترجمه قرآن کریم ص ۱۱۰)

راستی چه دلیل محکمی برای اثبات نسخ وجود دارد؟ مگر نقش اقتصادی زن قبل از اسلام یا براساس تورات برابر با مرد بوده است که بخواهیم بگوییم در دین یهود زن و مرد در قصاص وجه بسا دیه و خسارات جانی برابر بودند، اما در اسلام نابرابر شدند؟ اساساً نسخ در جایی قابل قبول است که دو آیه قرآنی (ناسخ و منسوخ) مغایرتی با هم داشته باشند، اما اگر از این دو آیه معنایی را ارائه دهیم که هیچ‌گونه مغایرت و تنافی بین آنها نباشد، دیگر نسخی وجود نخواهد داشت.

۲-۴- روایات

در خصوص نصف بودن دیه قتل زن نسبت به مرد از طریق شیعه روایتی وارد شده است از جمله صاحب وسائل الشیعه می‌گوید در ضمن حدیثی که عبدالله بن مسکان از امام صادق (ع) نقل کرده است آمده است که: دیه زن نصف دیه مرد است. (شیخ الحرالعالمی، وسائل

الشیعه، ص ۱۵۱) و چند روایت نیز به این مضمون از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) نقل می‌کند در مورد مردی که زنی را به قتل رسانده فرموده‌اند: خانواده زن می‌توانند قاتل را قصاص کنند و نصف دیه را به خانواده مرد بپردازند و یا از قصاص بگذرند و نصف دیه را از او بگیرند. (شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ص ۱۲۱)

اهل سنت نیز به روایاتی منقول از بعضی از اصحاب و علی (ع) استناد کرده‌اند که دیه زن را نصف دیه مرد دانسته‌اند. مثلاً "از معاذ نقل شده است که: دیه زن نصف دیه مرد است یا از حضرت علی (ع) روایت شده که: دیه زن نصف دیه مرد است هم در نفس و هم در اعضاء. (زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، ص ۳۱۰)

۵- حکمت متفاوت بودن دیه مرد و زن

با توجه به اصل مسئله نصف بودن دیه زن نسبت به مرد به غیر از روایات و دلایل نقلی که فقیهان به این امر اقامه کرده‌اند توجیه عقلی و عرفی نیز برای این حکم ارائه شده است که به آنها اشاره می‌شود.

۱. پایین بودن ارزش زن نسبت به مرد

از نوشته های برخی از بزرگان فقه و تفسیر چنین برمی‌آید که اصولاً زن در مقام مقایسه با مرد از ارزش و اعتبار کمتری برخوردار است و از همین روست که اعتبار شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد به حساب آمده و یا سهم الارث او نصف سهم الارث مرد قرار داده شده است و به هر حال جایی که ارزش گذاری مادی مطرح است و قرار است خون بها مطرح شود ارزش و اعتبار زن مساوی و هم طراز مرد نیست و نمی‌توان همان قیمتی که برای مرد در نظر گرفته می‌شود برای زن نیز محاسبه نمود و چنان که می‌بینیم تلقی فقه از دیه بیشتر همان خون بها است تا جبران خسارت وارده؛ و لذا در آنجا که برای جراحات وارده دیه مشخص وجود ندارد، باید ارزش پرداخت که ارزش ما به التفاوت و تفاوت قیمت جنس

سالم و معیوب است و در تمام کتاب‌های فقهی حتی کتاب‌های فقهی معاصر برای تعیین مقدار ارش گفته شده باید شخص صدمه دیده و مجروح یا ناقص العضو را با فرض برده بودن یکبار در حال سالم بودن قیمت کرد و یکبار با توجه به صدمه و یا نقص وارده او را قیمت کرد و مابه‌التفاوت این دو قیمت را به عنوان ارش به او پرداخت. (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۹۶). وقتی با این دید، دیه محاسبه می‌شود در نظر بسیاری قیمت و ارزش زن کمتر از مرد و در حد نصف قیمت اوست و لذا دیه او نصف دیه مرد است. به عنوان نمونه برای بیان این نظر می‌توان به گفته صاحب شرح فتح القدر اشاره کرد که در مقام توجیه نصف بودن دیه زن نسبت به مرد می‌گوید: این امر بدان جهت است که حال و وضعیت زن ناقص‌تر از وضع مرد است و خداوند هم فرموده است مردان بر زنان برترند و منفعت وجودی زن کمتر از مرد است. (الواحد، کمال الدین، شرح فتح القدر، ج ۹، ص ۲۱۰).

۰۲. پایین‌تر بودن نقش زن در وضعیت اقتصادی

از دید عده دیگر از صاحب نظران اسلامی، نصف بودن دیه زن نسبت به مرد بدین گونه توجیه شده که اصولاً دیه برای جبران خسارت وارده به مجنی علیه یا خانواده اوست و از آنجا که مرد نقش بیشتر و مؤثرتری در زندگی اقتصادی دارد و از بین رفتن یا صدمه دیدن او لطمه بیشتری به وضع مالی خانواده وارد می‌آورد به خصوص که در نظام حقوق اسلام اداره خانواده و مسئولیت تأمین معیشت خانواده با اوست بنابراین دیه او باید بیشتر باشد. از این دیدگاه دو برابر بودن دیه مرد نسبت به زن و نصف بودن دیه زن به معنای پایین‌تر بودن ارزش زن نیست بلکه از این لحاظ است که تبعات از دست دادن مرد و یا صدمه دیدن او از لحاظ اقتصادی بیشتر از زن است و حال که قرار است این ضایعه به صورت مادی جبران شود و در واقع تحت عنوان دیه خسارت داده شود طبعاً این تفاوت وضع باید در نظر گرفته شود و از آنجا که حکم شرعی و قانونی باتوجه به وضع غالب تعیین می‌شود و وضع غالب این

است که مرد تأمین کننده هزینه خانواده و دارای نقش مؤثرتر در وضع اقتصادی و مالی است بنابراین خسارت قابل پرداخت به او یا خانواده اش تحت عنوان دیه بیشتر از زن تعیین شده است. امروزه بیشتر صاحب نظران با این دیدگاه تفاوت دیه زن و مرد را توجیه می کنند و آن را منافی با کرامت و ارزش ذاتی زن و همسان بودن ارزش انسانی او با مرد نمی دانند از جمله مرحوم سیدمحمدرشید رضا صاحب تفسیر المنار می گوید: «حکمت نصف بودن دیه زن نسبت به مرد این است که منفعتی که خانواده با فقدان مرد از دست می دهد بیشتر از نفعی است که با فقدان زن از دست می دهد بنابراین همانند ارث در اینجا نیز سهم زن نصف شده است.» (رضا، محمدرشید، تفسیر المنار، ج ۵، ص ۳۳۲).

بر هر دو توجیه این تأمل می تواند وارد باشد که اگر در اثر تعلیم و تربیت و ارتقاء سطح فکری و توانایی های اجتماعی زنان و ورود آنان به جامعه و عهده دار شدن مشاغل گوناگون در سطوح مختلف جامعه و احراز نقش قابل توجه در پیشرفت صنعت و توسعه سیاسی و اقتصادی (چنان که هم اکنون تا حدود زیادی این وضعیت مشهود است) وضع تغییر کند و زنان نقش مؤثری حتی در تأمین معیشت خانواده داشته باشند دیگر مشکل است توجیهات یادشده بتواند برای تفاوت وضع موجود بین زن و مرد در پرداخت دیه قانع کننده باشد.

نتیجه گیری

قرآن کریم اصل پرداخت دیه به خانواده مقتول را در مورد قتل غیر عمدی تشریح نموده و آن را مقرر کرده است ولی نه میزان آن را تعیین کرده و نه اشاره ای به تفاوت بین زن و مرد نموده است. البته از دیه مربوط به نقص عضو و جراحت وارده به اعضای انسانی نیز در قرآن ذکری نشده است.

روایات زیادی از طریق شیعه و سنی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که مقدار دیه قتل انسان صد شتر قرار داده شده و ظاهراً این حکم، حکم امضایی است یعنی در جاهلیت نیز حداقل

در بعضی موارد این وضع رعایت شده و طبق بعضی از نقل‌ها با ابتکار عبدالمطلب جد پیامبر (ص) گرامی اسلام این میزان به عنوان دیه و خون‌بها تعیین شده و پیامبر (ص) هم آن را پسندیده و مقرر فرموده است. ظاهراً برای تسهیل امر ضمن اینکه اصل در میزان دیه همان صد شتر بوده است اجازه داده شده اجناس دیگری نیز برحسب مورد و اقتضاء وضع مردم و جوامع مربوطه در حدی که تقریباً از لحاظ قیمت نزدیک به صد شتر می‌شود، پرداخت گردد. از قبیل یکهزار دینار، ده هزار درهم، دویست گاو، یکهزار گوسفند و دویست دست حله یمانی.

در برخی روایات که به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده شده و البته روایات زیادی که از طرق شیعه نقل شده، دیه زن علی الاصول نصف دیه مرد ذکر شده است.

چنین به نظر می‌رسد که مساله نصف بودن دیه زن اگر هم استحکام منبع روایی آن از پیامبر اکرم (ص) جای تردید باشد ولی در بین صحابه این مطلب جا افتاده و تلقی به قبول شده و در واقع این معنی طبیعی می‌نموده که با توجه به نصف بودن سهم الارث زن و نیز نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد، دیه او نصف دیه مرد باشد.

بعضی از فقهای اهل سنت با توجه به اطلاق آیه قرآن کریم و عدم تعرض به نصف بودن دیه زن و نیز اطلاق روایات منقوله از پیامبر اکرم (ص) بخصوص نامه عمرو بن حزم که میزان دیه نفس مومن به طور مطلق صد شتر تعیین شده است، ولابد معتبر ندانستن روایاتی که به نصف بودن دیه زن دلالت دارد قائل به تساوی دیه زن و مرد شده‌اند.

از میان فقهای شیعه برخی در دلایل نقلی مربوط به نصف بودن دیه زن تردید کرده و به نحوی این تردید خود را ابراز داشتند ولی در عمل همان نظر نصف بودن را به لحاظ وجود اجماع پذیرفتند. از فقهای معاصر بعضی تمسک به اطلاق قرآن و روایات را در مورد دیه قتل غیر عمدی قوی‌تر دانسته و به مساوات دیه زن و مرد فتوی داده‌اند. برخی از فقهاء و مفسرین جدا از روایات و دلایل نقلی، در مقام توجیه عقلی و منطقی نصف بودن دیه زن

نسبت به مرد برآمدند، برخی به صراحت ارزش وجودی زن را نصف مرد قلمداد کردند و برخی ضعیف‌تر بودن نقش اقتصادی زن را در جامعه و خانواده، موجب نصف بودن دیه نفس و عضو او دانسته‌اند که بر هر دو توجیه تاملاتی وارد است.

گرایشی هم وجود دارد که می‌پندارد هم تعیین دیه به مقدار معین از سوی پیامبر اکرم (ص) و هم نصف قرار دادن دیه زن نسبت به مرد با فرض صحت، حکم حکومتی و مقطعی است نه یک حکم ثابت و لا یتغیر و همیشگی اسلامی. حکم قطعی و دائمی همانا، حکم مطلق قرآن کریم است که باید به خانواده مقتول دیه پرداخت شود. به هر حال این دیه مقدار مالی است که به مناسبت از دست رفتن فردی به خانواده او پرداخت می‌گردد و علی القاعده جنبه جبران خسارت ناشی از فقدان یک انسان دارد (طبعاً در موارد نقص عضو نیز دیه متناسب با خسارت مربوط به صدمه دیدن عضو انسانی است). پیامبر اکرم (ص) در زمان خود و با توجه به مقتضیات وضع محیط و موقعیت اجتماعی خویش و عرف رایج آنها صد شتر را مناسب دانست و آن را برای جبران خسارت تعیین کرد. تعیین نصف این مقدار برای زن نیز با فرض صحت برخی از روایات منقوله از پیامبر اکرم (ص) یا با فرض پذیرش و پیاده کردن امر از سوی صحابه بزرگ با توجه به وضع و نقشی که زنان در آن زمان و محیط داشتند و نوع نگرش و دیدگاهی که بر آنان حاکم بوده، قابل قبول و دارای توجیه می‌باشد و به هر حال معلوم نیست تعیین صد شتر به عنوان دیه نفس و فرضاً نصف آن برای زن، از سوی پیامبر اکرم (ص) به منظور بیان حکم قطعی دائمی برای همه زمانها و مکانها باشد بلکه حکم اصلی و قطعی همانا پرداخت دیه به میزان معقول و متناسب است، متناسب آن زمان و شاید آن محیط صد شتر و احياناً نصف آن در مورد زن بوده است و این امر منافات ندارد با اینکه در زمانها و مکانهای دیگر با توجه به مقتضیات لازم و در نظر گرفتن وضع جامعه و متحول شدن وضع و نقش زنان، تعیین مقدار دیه به عنوان خسارت ناشی از کشته شدن یک فرد (اعم از زن و مرد) یا صدمه دیدن او با در نظر گرفتن جهات

مختلف از سوی دادگاه تعیین شود از این حیث تفاوتی بین زن یا مرد مقتول یا صدمه دیده به صورت یک فرض ثابت وجود نداشته باشد بلکه موردی تصمیم گرفته شود. همان گونه که امروزه طبق قوانین عرفی مسئولیت‌های مدنی انجام می‌شود و قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب سال ۱۳۳۹ نیز آن را بیان کرده است.

از جمیع مطالبی که بیان شد روشن می‌شود که با پرداخت دیه در مقابل خسارت جانی و قتل‌های غیر عمدی و شبه عمدی و همچنین با تراضی مجنی علیه (یا قائم مقام شرعی) و مجرم که بجای قصاص، دیه داده می‌شود کدورت از بین می‌رود، حق کسی که خسارت جانی دیده و یا از بستگان او به قتل رسیده تضييع نمی‌شود، مسلمانان برای حفظ سلامتی یکدیگر دقت بیشتری به عمل می‌آورند، بی‌نظمی و هرج و مرج در جامعه از بین می‌رود و سلامتی انسان‌ها از امنیت بیشتری برخوردار می‌شود.

به نظر می‌رسد در عصر کنونی که سطح فرهنگ عمومی و نیز بینش‌های فقهی در افق فقه شیعیان و اهل سنت ارتقاء یافته است و استعداد‌های ذاتی و عرضی زنان هم در ظهور خود به درجات برتر رسیده است، مجالی برای نصف دانستن دیه زنان در برابر دیه مردان در فقه اسلام وجود ندارد. جا دارد که فقهای روشن بین زمان شناس با اجتهاد شایسته خود ضمن جلوگیری از انحراف و تحریف، چهره مقبول و عملی از احکام اسلامی نشان دهند، و به جای تکیه بر تعبدی بودن حکم و عمل به نص در امور عرفی اجتماعی در کشف مصالح احکام و حکمت آنها و فهم نظر واقعی شارع کنکاش نمایند.

پژوهش‌های علمی و تحقیقات فقهی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- قرآن کریم
- حر العاملی، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۹.
- حسینی روحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق، موسسه دارالکتاب، قم، المطبعه الثالثه، ۱۴۱۴.
- خوئی، السید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، قم، دار الهادی، ج ۲.
- زین السدین، الجبعی العاملی (الشهید الثانی)، مسالک الافهام، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ هـ. ق.
- همان، الروضه البهیة، انتشارت داوری، قم، ۱۴۱۰ هـ. ق، ج دهم.
- سلار، ابویعلی حمزه بن عبد العزیز، المراسم العلویه فی الاحکام النبویه، المعاونه الثقافیه للمجمع العالمی لاهل البيت، الطبعه ۱۴۱۴ هـ. ق.
- شفیعی سروسستانی، ابراهیم، تفاوت زن و مرد در دینه و قصاص، سفیر صبح، ۱۳۸۰ هـ. ش چاپ اول.
- صاعی، یوسف، منتخب الاحکام، قم، انتشارات میثم، تمار، بهار ۱۳۸۲، چاپ پنجم.
- صادقی تهرانی، محمد، ترجمه قرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۲ هـ. ق.
- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی و محمد علی کریمی، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، زمستان ۱۳۶۷ هـ. ش، چاپ ۱۴.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، الخلاف، موسسه النشر الاسلامی، قم، الطبعه الاولى ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۵.
- همان، الاستبصار، دارالکتب الاسلامیه، المطبعه، خورشید، قم، ج ۴.

- فضل الله، سيد محمد حسين، نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی، نشر میزان و دادگستری پاییز ۱۳۷۸ ه.ش، چاپ اول.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، آخوندی، ۱۳۶۷ ه.ق.
- مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، جامعه المقدسین، قم، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۱۴.
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، ج ۲.
- مهرپور، حسین، مباحثی از حقوق زن، انتشارات اطلاعات، بهار ۱۳۷۹ ه.ش. چاپ اول
- مالک بن انس، الموطاء، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الاولى، ۴۰۶ ه.ق، ج ۲.
- محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی، شیخ مفید، المقننه جامعه المدرسین، قم، ۱۴۱۰ ه.ق.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، المكتبه الاسلامیه، الطبعة السادسة، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۴۳.